



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2024, 5(2): 29-40

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Relationship Between Morality and the Rights of Couples in Islamic Law

Mohammad Javad Abdollahi ^{*1},  Atefeh Hosseini Fard²

Received:

15 Apr 2024

Revised:

25 May 2024

Accepted:

08 Jun 2024

Available Online:

21 Jun 2024

Keywords:

Ethics, Couples Rights, Islamic Law.

Abstract

Background and Aim: The family is one of the most important and fundamental institutions in the life of individuals that this institution has basic and important functions that can have the necessary capacity and strong motivation to adapt. In fact, just as legal norms lead to cohesion and stability, moral values contribute to its dynamism and maturity. This is even more important for the family, especially for couples.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: All ethical principles have been observed in the writing stages of this research.

Findings and Conclusion: This article examines the relationship between morality and the rights of couples in Islamic law. It is centered on emotion and love and the use of law tools alone empties the family from within. Combining rights with ethics with a greater focus on ethics is very necessary. Especially, for couples, because the family is a complex. Morality is centered on emotion and love and the use of law tools alone empties the family from Love.

1* Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Economics, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: e_m_abdollahi@ut.ac.ir

Phone: +989126368020

2 Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Please Cite This Article As: Abdollahi, MJ & Hosseini Fard, A (2024). "The Relationship Between Morality and the Rights of Couples in Islamic Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 5(2): 29-40.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی
(صفحات ۲۹-۴۰)

ارتباط اخلاق و حقوق زوجین در قوانین اسلامی

محمدجواد عبداللهی^{۱*}، عاطفه حسینی فرد^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و اقتصاد، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: e_m_abdollahi@ut.ac.ir

۲. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادها در طول زندگی اشخاص است. این نهاد دارای کارکردهای اساسی و با اهمیت است که می‌تواند ظرفیت لازم و انگیزه قوی برای سازگاری و بهروزی را ایجاد سازد. به‌واقع همان‌گونه که ضابطه‌های حقوقی به پیوستگی و پایداری می‌انجامد، ارزش‌های اخلاقی به پویایی و بالندگی آن کمک می‌نماید. اهمیت این مسأله در مورد خانواده و به ویژه زوجین بیشتر است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این مقاله به بررسی نسبت اخلاق با حقوق زوجین در قوانین اسلامی پرداخته شده است. خانواده مجموعه‌ای با محوریت عاطفه و محبت است و استفاده از ابزار حقوق به‌تنهایی خانواده را از درون تهی می‌سازد. آمیختن حقوق خانواده به اخلاق با محوریت بیش‌تر اخلاقیات از ضرورت زیادی برخوردار است که منظور از اخلاقیات، اعمالی است که از نظر عرف پسندیده است و منجر به مودت و رحمت بین زوجین می‌گردد.

کلمات کلیدی: اخلاق، حقوق زوجین، قوانین اسلامی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

در تمام ایام در عرصه فلسفه حقوق، تأثیر اخلاق بر قانون بحث شده و اعتبار هنجارهای حقوقی از منظر اخلاقی مورد داوری قرار گرفته است. از اهداف حاکم بر قانون حمایت از خانواده، حفاظت از کیان خانواده می‌باشد و بر همین اساس، پیش فرض حاکم بر این قانون و قوانین نزدیک به آن ایجاد مباحثی است که بالاترین نتایج اخلاقی را داشته باشد.

برخی از قواعد و آموزه‌های اخلاقی با نفوذ خود به تدریج به صورت قواعد حقوقی بروز یافته‌اند؛ تکلیف زن و شوهر به حسن معاشرت با یکدیگر و همکاری در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزندان از گزاره‌های حقوقی است که در بستر تحول قواعد اخلاقی ظهور یافته است. ساختار زوجیت در جهان بر این عنوان است که در درجه اول مخلوقات در حالت تنها بودن یا واحد بودن به واقع موجوداتی ناقص هستند که تا وقتی که در کنار دیگری قرار نگیرند، به کمال نخواهد رسید و در درجه دوم خداوند متعال هدف‌هایی از آفرینش داشته است و آنچه که روشن است این‌گونه است که ساختار وجودی آن‌ها برای رسیدن به این اهداف در قالب زوجیت، پی ریزی شده است، لذا معلوم می‌شود که مخلوقات برای رسیدن به این اهداف، ناچار به قرار گرفتن در ساختار مطلوب خود یعنی همان زوجیت هستند تا از این طریق استعدادهای بالقوه را به فعلیت برسانند و به عبارتی شکوفا سازند و به کمال دسترسی پیدا کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۱). با بررسی آیات قرآن و احادیث مشخص است که در ازدواج و نظام زوجیت، منافع زیادی وجود دارد که برای رسیدن به سعادت، راه محسوب می‌شود و نبود آن‌ها، موجب ایجاد مشکلات و دشواری‌هایی شده است.

به نظر می‌آید که با اهمیت‌ترین فایده‌ای که از زوجیت نصیب انسان‌ها می‌شود، رسیدن به آرامش است که برای رسیدن مسیر تکامل به عنوان اصلی ضروری به حساب می‌آید. انسان‌ها به واسطه آرامش و امنیت می‌توانند روح آرامی داشته باشند و در دشواری‌های زندگی، تعادل خود را حفظ نمایند. شایان ذکر است در نظام زوجیت و نمادهای آن اعم از

فایده‌های آن، کارکردهایش، هدف‌های فرعی و اصلی، می‌توان یک سلسله علل طولی را مشاهده کرد که به عنوان راه مستقیم، کوتاه و در عین حال سالم‌ترین راهی است که برای رسیدن به رستگاری و محقق شدن هدف‌های بالایی که خداوند در آفرینش انسان‌ها مورد توجه داشته، ضروری و غیرقابل اجتناب می‌نماید.

۲- بیان مفاهیم

خانواده محوری‌ترین نهاد در ساختار جامعه است که روح و روان انسان‌ها در آن پرورش می‌یابد و هر نوع تحول و دگرگونی در آن به صورت مستقیم بر اوضاع و احوال اعضای جامعه تأثیرگذار است. نفوذ گسترده اخلاق در قاعده‌های حقوقی حقوق خانواده چنان گسترده و عمیق است که نه تنها می‌توان اخلاق را از عناصر شکل‌دهنده حقوق به شمار آورد، بلکه بر آن مقدم شمرد. قاعده‌های اخلاقی همان‌گونه که در قوام روابط زوجین مؤثر می‌افتد، در استواری آن نیز نقش ایفاء می‌نماید، بدین جهت قواعد اخلاقی پشتوانه حمایت از روابط زوجین است.

مناسبات حاکم بر زوجین از خاستگاه اخلاقی برخوردار است. لذا قانون‌گذار قواعد حقوقی که دارای پشتوانه اخلاقی هستند را باید مورد شناسایی قرار دهد و از آن جهت که مناسبات زوجین برای پایداری همراه با عواطف، علاوه بر قواعد حقوقی نیازمند به قواعد اخلاقی است؛ قواعدی که خود پشتوانه قواعد حقوقی به شمار می‌آیند از اولویت نسبت به قواعد حقوقی برخوردارند. آئین اسلام نیز برای تحقق امور، حقوق و تکالیفی متقابل را برای زن و شوهر در تعامل با هم قرار می‌دهد که هم مطابق با فطرت انسانی آن‌ها باشد و هم ویژگی‌های شخصیتی خاص هر یک را مدنظر قرار داده باشد و در این راستا از دو نیروی اخلاق و قانون استفاده می‌نماید؛ در یکی با لطافت، نفوذ در روح و روان و در دیگری با الزام، اقتدار، پابندی و مسؤولیت بخشی، تا انسجام و انعطاف بیش‌تری به این روابط ببخشد و بیش‌ترین تعادل و هماهنگی را در تعاملات رفتاری میان زوجین برقرار نماید و بر دوام و پایداری آن بیفزاید.

۳- روش تحقیق

این پژوهش از زمره پژوهش‌های نظری محسوب می‌شود و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های اسنادی، به‌صورت تحلیلی توصیفی نگارش شده است.

بحث و نظر

در این قسمت به اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر روابط زوجین و نسبت میان اخلاق و حقوق زوجین پرداخته خواهد شد.

۱- اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر زوجین در قوانین اسلامی

اصول اخلاقی و حقوقی بر زوجین به موجب قوانین اسلامی حاکم هستند که از جمله اصول اخلاقی می‌توان به اصل معروف، مودت و رحمت، تکریم، همیاری و شرکت در امور، تعهد و پابندی، سازگاری، صبر و شکیبایی، عفو و گذشت و احسان اشاره نمود. در زمره اصول حقوقی نیز می‌توان به اصول آزادی، مساوات، حکمت و عدالت اشاره کرد که در مباحث ذیل به توضیح این اصول پرداخته شده است.

۱-۱- اصول اخلاقی حاکم بر زوجین در اسلام

اصول اخلاقی حاکم بر زوجین عبارتند از:

۱-۱-۱- اصل معروف

معروف وصف فعل یا قولی است که مورد تکلیف قرار گرفته است؛ به‌طورمثال در آیه زیر معروف ملاک تعیین حقوق متقابل زوجین قرار گرفته است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۲۸). این آیه از حقوق متقابل زن و مرد سخن گفته و حد و حدود آن را به عرف واگذار نموده است.

اصل معروف یا حسن معاشرت در روابط زوجین که بیش‌ترین تعاملات رفتاری را با هم دارند اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که صفا و صمیمیت زندگیشان وابسته به آن است. قانونگذار نیز این مسأله را مورد حمایت خود قرار داده و در ماده ۱۱۰۳ بیان داشته است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» به‌واقع حسن معاشرت ایجاب می‌کند که زن و شوهر با خوش‌رویی و صمیمیت با هم زندگی کنند و از اهانت به هم پرهیز نمایند (امامی، ۱۳۹۷: ۴۳۰).

۱-۱-۲- اصل مودت و رحمت

قوی‌ترین انگیزه برای ازدواج و تشکیل دادن خانواده نیاز به احساس عشق و محبت است که به‌واسطه آن، خود را خوشبخت می‌دانند. علاقه اولین رکن یک زندگی و به‌واقع قوی‌ترین موتور محرک جهت ادامه زندگی و البته دوام و پایداری آن است. خدای متعال خود را پایه‌گذار این ستون مبنایی در زندگی زوجین قرار می‌دهد (پسندیده، ۱۳۹۰: ۲۸). به نظر نویسندگان عشق و علاقه سبب ارضای عمیق نیازهای عاطفی و روحی زوجین می‌گردد و حس آرامش به آن‌ها اعطاء می‌کند که سبب افزایش توان روحی شخص می‌شود که بهره‌مندی از آن در زندگی مشترک، ضرورتی غیرقابل اجتناب است چراکه توان روحی بالا در کنار معرفت و آگاهی، هم او را در مهارت‌های ارتباطی با همسر توانا می‌سازد و هم ظرفیت روحی او را برای مقابله با مشکلات و دشواری‌های زندگی و حل‌وفصل آن، وسعت می‌دهد.

بنابر اهمیت اصل مودت و رحمت بین همسران، تأکیدات زیادی در روایات بر اظهار مهر و دوستی نسبت به همسر وارد گردیده و تأثیرات مثبت آن عنوان گردیده است. رسول اکرم نیز در این حیطه می‌فرماید: «سخن مرد به همسرش این که بگوید تو را دوست دارم هرگز از قلبش بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۶۹). در اهمیت رحمت در روابط زوجین می‌توان عنوان نمود که بعضاً در مواقعی از زندگی مشترک که یکی از زوجین از منظر جسمانی و یا روحی، ضعیف، ناتوان و ناچار می‌شود، بیش از هر مسأله‌ای، این احساس دلسوزی و رحمت است که قادر است کارساز باشد و آن یکی را به اصلاح و درمان و کمک به زوج ناتوان، برانگیزاند. از این منظر است که عنوان نموده‌اند مودت در غالب موارد جنبه متقابل دارد؛ اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹۲). به‌واقع اصل رحمت می‌تواند در دشواری‌ها و مشکلات زندگی، خالهای موجود را پر نماید و آرامش رفته را به آنان برگرداند و چه‌بسا از بسیاری از اتفاقات و طلاق‌ها پیش‌گیری نماید.

۱-۳-۱- اصل تکریم

تکریم از ریشه کرم در معنای احترام نمودن، بزرگ داشتن و گرامی داشتن می‌باشد (معلوف، ۱۳۸۰: ۱۲۱). بین الگوهای رفتاری، انسان‌ها بیش از همه در قالب یک رابطه سالم و محترمانه است که می‌توانند به خواسته‌ها و اهداف خود برسند. طبعاً زوجین که در میان گروه‌های انسانی، بیش‌ترین رابطه را با هم دارند، بیش‌تر از بقیه نیاز به مراعات اصل تکریم بین خود دارند. جلوه‌های تکریم در رفتار زوجین به این معنا می‌باشد که شخصیت یکدیگر را محترم شمرده، به خواسته‌ها و علاقه‌های هم احترام بگذارند، برای یکدیگر ارزش قائل گردند، احترام و ادب را همیشه ایام در کلام و رفتارشان مد نظر داشته باشند، در برابر خدمات و نیکی‌های طرف مقابل زبان تشکر داشته باشند. در قانون مدنی هم به این مسأله تأکیدات زیادی شده است؛ اما نکته جالب این است که در تعابیر دینی بر تکریم نسبت به زنان، بیش‌تر سفارش شده است و از رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به آن‌ها منع شده است به حدی که فردی از رسول اکرم (ص) سؤال نمود: زنان بر مردان حقی دارند؟ حضرت فرمودند: «جبرئیل همیشه سفارش زنان را به من می‌کرد به حدی که همیشه گمان می‌نمودم مرد حق ندارد به همسرش حتی اف بگوید» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۵۳).

۱-۴-۱- اصل همیاری و شرکت در امور

انسان‌ها به تنهایی نمی‌توانند تمام نیازهای خود را تأمین کنند و بی‌تردید به کمک هم احتیاج دارند. در زندگی زوجین که پر از مسؤولیت‌ها و تکلیف‌های متعدد و سنگین می‌باشد، انجام تمامی آن‌ها از توان یک طرف خارج بوده و بنابراین علاوه بر تقسیم وظایف براساس توان و روحیات و خصوصیات شخصیتی هر یک برای تحقق بهتر آن این نیاز وجود دارد که به هم کمک کنند. در وقوع مشکلات نیز زوجین باید همفکری کامل با هم داشته باشند. بنا به اهمیت این مسأله، در قوانین با استناد به روایات، همسران را ترغیب به همکاری و مشارکت با هم در انجام شؤونات منزل و اداره آن نموده‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). مشارکت زوجین در حل مسائل و مشکلات زندگی و همفکری آن‌ها، نه تنها راه‌حل‌های بهتری را مقابل آن‌ها قرار می‌دهد و مشکلات را برایشان

هموار می‌نماید بلکه زمینه تفاهم و همراهی آن‌ها را در ارتباطات بهتر با هم ایجاد می‌نماید و از حمایت‌های عاطفی و احساسی نیز بهره‌مند خواهند گردید.

۱-۵-۱- اصل تعهد و پابندی

تعهد و پابندی از آثار لزوم در عقد نکاح و روابط زوجین است. به این معنا که زوجین، با اراده صریح و جدی خود پیمان میان خود برقرار می‌سازند و خود را اجبار می‌سازند که نسبت به نکاح و آثار آن، همیشه پایبند بوده و تخطی ننمایند. قرآن کریم از عقد نکاح به میثاق غلیظ یعنی پیمان محکم و استوار یاد می‌کند: «چگونه مهری که به زنان می‌دهید از آن‌ها می‌گیرید و حال آنکه به یکدیگر رسیده و استفاده نموده‌اید و زنان از شما پیمان شدید و استواری گرفته‌اند» علامه طباطبائی در خصوص میثاق غلیظ عنوان می‌نماید که در ظاهر این‌گونه است که همان علقه‌ای می‌باشد که عقد ازدواج و امثال آن در میان آن را دو محکم نموده بود (علامه طباطبائی، ۱۳۷۲: ۴۰۸).

لازمه دوام و پایداری، زندگی مشترک آن است که زن و مرد خود را در قبال تکالیفی که بر ذمه دارند مسؤول بدانند و آن را به درستی ایفا نمایند. در صورتی که زوجین به اهمیت این موضوع آگاهی داشته باشند و خود را در مقابل اعمال خود مسؤول و پاسخگو بدانند، رفتاری بهتر را با همسر خود در پیش گرفته و حقوق وی را محترم به حساب می‌آورند و از ظلم به او خودداری می‌نمایند. تعهد و پابندی علاوه بر محدوده وظایف و تکالیف محدوده روابط زناشویی را نیز در بر می‌گیرد به این معنا که با ازدواج که پیمان می‌بندند، عشق و محبت را تنها برای یکدیگر بخواهند و در حریم زناشویی، دیگری را راه ندهند و وفادار باقی بمانند و هم چنین حرمت‌ها را نگه دارند. اخلاقیات و رعایت آن‌ها به خصوص در موضوع مهمی مانند وفاداری باعث محکم شدن روابط زوجین می‌گردند، مسأله‌ای که در عناوین عفت و حیاء و پاکدامنی در قرآن کریم هم بارها مورد تأکید قرار گرفته است. شایان ذکر است در تعابیر دینی، غیرت ورزی مردان نسبت به همسران خود هم عنوان شده است که این موضوع و توجه به پاکدامنی همسر، زمینه ساز حفاظت از آلودگی‌های گوناگون و موجب

سازگاری هرچه بیش‌تر او خواهد شد (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۴۲).

در مجموع باید گفت تمامی توصیه‌ها و راهکارهای دینی به این دلیل است که زمینه‌های تزلزل را در روابط زوجین از بین ببرند و موجب دوام آن گردند. وفاداری همسران را نه تنها به حضور فیزیکی پیش هم، بلکه به وحدت و وابستگی‌های عاطفی و قلبی آنان می‌داند، لذا باید آن چه را که موجب افزایش عشق میان همسران می‌شود را مورد استفاده قرار داد و موارد نامناسب را بر کنار نمود چراکه خانواده مثبت به‌واقع خانواده‌ای است که زوجین در کانون توجه هم قرار داشته باشند (پسندیده، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

۱-۶- اصل سازگاری

زندگی مشترک بین دو فردی که دارای دیدگاه‌ها، عقاید، روحیات، خصوصیات شخصیتی و تربیت‌های مختلفی هستند، موجبات ایجاد اختلافاتی را فراهم می‌آورد که توجه بی‌اندازه به آن‌ها می‌تواند موجبات شکاف در روابط گردد و زندگی را برای زوجین دارای مشکل سازد. در روایات دینی هم به سازگاری با همسر تأکید زیادی شده است. علاوه بر آن سازگاری با همسر همگام با افزایش مودت و محبت، زمینه هم‌راهی و روابط صمیمانه را ایجاد می‌سازد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). مدارا مانع از تحقق درگیری‌ها شده و سلامت و امنیت روابط زوجین را افزایش می‌دهد در حالی که ناسازگاری، کدورت‌ها را بین زوجین افزایش می‌دهد و آرامش آنان مختل می‌گردد و هیچ زمانی قادر به حل و فصل اختلافات و منازعات خود نخواهند بود. بنابراین برای مدارا و سازگاری، باید آستانه صبر و تحمل بالاتر رود و عفو و بخشش بیش‌تری بین زوجین صورت گیرد.

۱-۷- اصل صبر و شکیبایی

در روابط زوجین، ضعف روحی نه تنها مشکلات را حل نمی‌نماید بلکه این امکان وجود دارد که فشار روانی مضاعفی بر آنان وارد شود. در حالیکه اندکی صبر و بردباری، می‌تواند کمک تأثیرگذاری برای پیدا نمودن راه حل‌های مناسب است. خداوند متعال در این مورد در قرآن کریم و به موجب آیه ۱۵۳

سوره بقره می‌فرمایند: «ای اهل ایمان، از صبر و نماز کمک بخواهید که خدا با صابران است». زوجینی که از مهارت صبر برخوردار هستند، از ایجاد تنش بین خود و همسر جلوگیری می‌نمایند، تنش‌های روانی که امکان دارد از حالات و رفتارهای هیجانی ایجاد شود مانند ناله و شکایت به یکدیگر، پرخاشگری، خشم و... برخی مواقع نیز یکی از زوجین، با رفتارهای ناشایست خود، موقعیت‌های نامطلوبی را برای همسرش در درجه اول ایجاد می‌نماید که می‌تواند بنیان خانواده را از بین ببرد و آنان را به ورطه طلاق بکشاند. در این وضعیت صبر و شکیبایی همسر می‌تواند از افزایش یک پرونده دیگر در دادگاه‌های خانواده جلوگیری به عمل بیاورد. در روایات دینی هم عنوان شده که به این همسر، خیر کثیری داده می‌شود که منظور از آن همان گشایش در ظرفیت روحی او می‌باشد که سبب سازندگی او می‌گردد (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۸).

۱-۸- اصل عفو و گذشت

بخشش و گذشت از خطاهای دیگران، از اصل‌های تأثیرگذار در اخلاقیات است و برای اصلاح روابط میان انسان‌ها، کارساز خواهد بود. در روابط زوجین گاهی یکی از زوجین مرتکب اشتباه و خطایی می‌شود که موجب وارد آمدن ضرر یا رنج روحی زیادی برای طرف مقابل است در این صورت زوجی که مورد ظلم قرار گرفته دو عکس‌العمل را نسبت به رفتار اشتباه همسرش نشان می‌دهد از جمله این که در صدد انتقام برمی‌آید و تمایل پیدا می‌کند که عین کار وی را انجام دهد. اما عکس‌العمل دوم به این صورت است که از خطای همسر می‌گذرد؛ فکر و روان خود را پاک می‌نماید تا خودش در درجه اول به آرامش برسد و این آرامش را به زندگی مشترک منتقل سازد. بنابراین در روابط زوجین چشم پوشی و گذشت می‌تواند جلوی بسیاری از اختلافات را بگیرد، کینه‌ها را از بین ببرد و خانواده را به آرامش و سلامتی برساند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۸۳).

در روایات دینی هم به این موضوع بسیار اشاره شده است و در این خصوص از رسول اکرم (ص) سؤال شده است که حق زن بر مرد چیست؟ ایشان پاسخ داده‌اند که به او لباس

پوشاند، طعام دهد و چنانچه خطا نمود گذشت نماید (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲۲). بنابراین عفو و بخشش نسبت به خطاهای رفتاری همسر، قادر است جنبه اصلاح کننده و درمانگری داشته باشد و اشتباهات و چه بسا ایرادات رفتاری وی را درمان نماید و رابطه آسیب دیده میان زوجین را ترمیم می‌نماید و چنانچه این هدف نیز صورت نگرفت حداقل موجب آزاد ساختن فردی که بخشش نموده از فشارهای روانی و آزدگی خاطر خواهد شد (افخمی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۷).

۱-۱-۹- اصل احسان

در قرآن کریم هر چند که واژه احسان در روابط همسران جایی آمده که زوجین می‌خواهند از هم طلاق بگیرند اما با توجه به روح کلی حاکم بر آیه ۲۲۹ سوره بقره که خداوند متعال فرموده است: «طَلَّاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

«طلاق، (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه)، باید به‌طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد. و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیہ و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). این‌ها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هرکس از آن تجاوز کند، ستمگر است.»

می‌توان دریافت که اصل احسان یک قاعده رفتاری اصلی در روابط زوجین است که باید در تمامی احوالات رعایت شود و این آیه شریفه اولویت را نشان می‌دهد که وقتی خدای متعال زوجین در حال طلاق را که در شرایط روحی بدی به فرد می‌برند امر به رفتار معروف می‌نماید، بدون تردید از آنان، انتظار رفتارهای مناسب در زندگی مشترک را دارد.

۱-۲- اصول حقوقی حاکم بر روابط زوجین در اسلام

- اصل آزادی: در حقوق اسلامی زن و مرد دارای استقلال و آزادی در اراده و عمل هستند و حتی در روابط زوجین هم زن بنده مرد و مرد قیم زن نیست و در امور مالی نیز از استقلال و آزادی برخوردار هستند.

در قرآن کریم آیات متعددی در این باره وجود دارد مانند:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)

«هرکس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و قطعاً مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می‌کرده‌اند، پاداش خواهیم داد.» همچنین می‌توان به آیه ذیل اشاره نمود:

«وَمَنْ يَفْعَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء/ ۱۲۴)

«و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالیکه ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کم‌ترین ستمی به آنها نخواهد شد»

در آیات مذکور، مجازات اعمال زن و مرد مساوی محسوب شده است و به‌صورت ضمنی بر دو موجود آزاد و مستقل از یکدیگر دلالت دارد و گرنه، سخن گفتن از نتیجه اعمال آنان بدون معنا خواهد بود (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

۱-۱-۱- اصل مساوات: مساوات و برابری دارای ابعاد مختلفی است نظیر برابری در خلقت، برابری اقتصادی، برابری حقوقی، برابری اجتماعی و... که در این مقاله برابری ذاتی و حقوقی به‌صورت اجمالی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در حیطه برابری ذاتی می‌توان به آیه ۱۳ سوره حجرات اشاره کرد که در آن خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

قانون یکسان برای همه مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست. لذا نه تنها عادلانه نیست بلکه ظلمی فاحش می‌باشد زیرا عدالت همواره به معنای مساوات و برابری نیست و برابری تنها در حالتی عدالت است که شرایط یکسان و استحقاق‌ها یکی باشد. به همین علت است که نظام حقوقی اسلام در پی ایجاد تعادل و توازن حقوقی بین زن و مرد است نه برابری مطلق حقوقی (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱).

۲- نسبت اخلاق با حقوق زوجین در قوانین اسلامی

اخلاق می‌تواند در زمره مبانی شکل‌گیری تمام قوانین باشد و با توجه به ویژگی‌های خاص نهاد خانواده، نقش اخلاق در این حیطه پررنگ‌تر است. لذا در مباحث ذیل به نسبت اخلاق با حقوق زوجین در قوانین اسلامی پرداخته می‌شود.

۲-۱- تقدم اخلاق بر حقوق در خانواده

در بخش خانواده، نه تنها قاعده‌های حقوقی خانواده با قواعد اخلاقی هماهنگ می‌باشد، بلکه اخلاق بر حقوق مقدم است. برخی تصریح نموده‌اند: «وابستگی خانواده به قواعد اخلاقی و مذهبی به اندازه‌ای است که می‌توان گفت قوانین حاکم بر آن از طریق اخلاق انشاء می‌شود و دولت کار با اهمیتی جز تعیین ضمانت اجرا برای آن قواعد ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۵۴/۲).

۲-۲- اهمیت اخلاق در خانواده

دامنه تکالیف اخلاقی که از یک طرف ریشه در مذهب دارد و از طرف دیگر، با زمینه‌های آداب و رسوم رابطه دارد، بسیار گسترده است. اما شعاع کارکرد هنجارهای مقررات و در مجموع حقوق، محدود به پیوندهای اجتماعی اشخاص و رفتار بیرونی آن‌ها است. هنجارهای اخلاقی از نهادهای وجدان فردی یا جمعی نشأت می‌گیرد، اما مقررات از اراده آزاد اشخاص برگرفته می‌شود و از طرف دیگر، ضمانت اجرای هنجارهای اخلاقی بدون تردید با هنجارهای مقررات و در مجموع حقوق متفاوت است. به عبارتی ضمانت اجرایی مقررات، اجتماعی است و با فشار و اجبار صورت می‌گیرد. اما ضمانت اجرای اخلاقی مربوط به ندای وجدان و احترام به ارزش‌های انسانی می‌باشد، اما باز هم وجود این همه تمایز

اُكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اِتْفَاقُكُمْ اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ و دیگر آیات که به‌واقع گویای این است که بر حسب فرموده خداوند متعال، تفاوت تنها در ساختار آفرینش انسان‌ها است و تفاوتی از منظر انسانیت وجود ندارد و آنچه می‌تواند ملاک باشد، تنها تقوا و مسائل ارزشی است. از نظر حقوقی و اجرای قوانین هم بین افراد تساوی وجود دارد. این تساوی در حقوق خانواده به ویژه در روابط زوجین هم وجود دارد. البته با وجود مساوات زن و مرد در رسیدن به کمالات انسانی که تنها با اعمال هر فرد تحقق پیدا می‌کند، مساوات در حقوق و تکالیف جنبه فردی نداشته بلکه در حیطه خدمت متقابل قابلیت مطرح شدن پیدا می‌کند و تنها با وجود یک تقابل درست و ترکیب موزون از روابط، موازنه اجتماعی پدید آمده و مساوات تحقق پیدا می‌کند.

این توازن که در سایه تعیین وظایف حاصل می‌گردد، نه تنها به دلیل منافع و مصلحت فرد، بلکه با هدف تشکیل و محکم نمودن روابط خانوادگی است. به‌عنوان مثال، در احکام اسلام زن از پرداخت هزینه اولیه خود و اولاد خود معاف گردیده است. اما از سوی دیگر وظیفه پرورش فرزند به وسیله زن مسؤولیتی ویژه برای او است. لذا تفاوت حقوق در اینجا باعث جذب و اتحاد زن و مرد است و این بدیهی است که اگر نقش‌ها همه شبیه هم تعریف شود باعث بر هم خوردن موازنه و نظم تعیین شده در نظام خلقت می‌شود و به تدریج جاذبه‌های زندگی زناشویی کم رنگ خواهد شد. شایان ذکر است در نظام حقوقی اسلام، حقوق و تکالیف زن و مرد در رابطه زوجیت اقسامی دارد که به قرار ذیل هستند:

- برابری‌های حقوقی مانند حق اشتغال برای هر یک از زوجین؛

- نابرابری‌های حقوقی به نفع زن مانند مهریه؛

- نابرابری حقوقی به نفع مرد مانند حق طلاق؛

در سه مورد مذکور توجه به اصل حکمت و اصل عدالت از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس اصل حکمت، تفاوت‌های موجود میان زن و مرد اعم از طبیعی و احساسی نیز ناشی از نظم و حساب و قاعده‌ای است (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۳۸). از طرفی نیز عدالت مبنای قانونگذاری است و قانون باید به‌صورتی وضع گردد که عدالت را تأمین نماید پس وضع

بین اخلاق و حقوق، مانع از رابطه عمیق بین آنها که مبتنی بر اصول مشترکی است، نمی‌شود (داوودی، ۱۳۸۸: ۲۳). به‌واقع باید گفت اخلاق موضوعی می‌باشد که قانون غالب مقررات خود را بر اساس آن قرار می‌دهد و بی‌تردید شایسته نیست که قانونگذار از قواعد اخلاقی غفلت نماید چراکه قوانین و مقررات چهره‌ای از اخلاق است و هر نظام حقوقی پیش خود نظامی اخلاقی دارد که هم‌پایه با آن حرکت می‌کند.

با پیشرفت جوامع، بدون تردید قوانین به اخلاق نزدیک‌تر می‌گردد به این علت که هر قاعده اخلاقی را که مفید به حال جامعه شناخته شود، به‌منزله قانون قرار می‌دهند. به‌واقع حقوق از اخلاق سرچشمه می‌گیرد و هیچ قانون و مقرراتی قادر نیست با بی‌توجهی به اخلاقیات حاکم در آن جامعه تعیین شود. اخلاق و حقوق در کنار هم معنی پیدا می‌کند و هر یک دیگری را کمال می‌دهد. فرض نمایید که به موجب قانون مرد می‌تواند همسران متعددی را اختیار نماید طبعاً زن نیز وقتی از شوهرش طلاق بگیرد، می‌تواند شوهر دیگری انتخاب کند ولی مسلمانی که می‌شنود در غالب موارد این کار را دوست ندارد، انجام دهد چراکه اخلاق در حقوق مؤثر است. پس می‌توان گفت در حیطه اجرای قانون، اخلاق و مقررات به‌واقع همزاد محسوب می‌شوند. در اصل حقوق در بخش خانواده و در حیطه مواردی مانند روابط زوجین به اندازه‌ای در قلمرو نفوذ اخلاق می‌باشد که عنوان می‌شود نقش دولت محدود به ضمانت نمودن از قاعده‌های اخلاقی حاکم بر خانواده می‌باشد و قانونگذار در وضع قوانین و مقررات دارای آزادی است (ضیائی‌فر، ۱۳۸۸: ۲۳۸). مطالعه روابط زوجین نشان می‌دهد که به‌عنوان مثال سمت‌های «ریاست» و «ولایت و حضانت» ترکیبی از حق و تکلیف و چهره‌ای از منبع‌های عمومی می‌باشد و نباید آن را در حیطه حقوق فردی قرار داد و حتی آن را وسیله تسلط و حکومت محسوب نمود. سوءاستفاده از اختیاری که در میان خانواده به شخصی اعطاء می‌گردد با مبنای ایجاد آن در تعارض است و چنانچه صاحب اختیار آن را به شیوه اخلاقی و انسانی اعمال ننماید و فقط به منابع خویش بیندیشد، از امتیاز قانونی محروم می‌ماند و در مقابل زیان‌دیده مسئولیت مدنی پیدا می‌کند.

از لوازم نگرش اجتماعی به مقررات در بخش روابط زوجین که در محدوده حقوق خانواده قرار دارد؛ این است که حقوق خانواده، اصالت یابد و در آن مصلحت‌های جمعی بر منابع فردی ارجحیت پیدا نماید. یکی از خصوصیات این بخش که اصالت حقوق خانواده را توجیه می‌کند اینگونه است که مقررات در نفوذ کامل اخلاق و تابع آن هستند و مذهب نیز این نفوذ را پیشرفته‌تر می‌سازد (کانونزبان، ۱۳۹۷: ۱۶/۲). به‌واقع ساز و کار خاص روابط بین زوجین و متعاقب آن خانواده سبب می‌گردد که اجرای قواعد و ضمانت‌های حقوقی برای احقاق حقوق اعضاء و اجرای عدالت، مطلوب نهایی محسوب نشود؛ بلکه در این محدوده، سعی و تلاش در راستای حفاظت کانون خانواده و پیشگیری از به‌هم‌خوردن این کانون، مصلحت مهم محسوب می‌شود. بر این اساس، الزامات اخلاقی نسبت به الزامات قانونی، تأثیرگذاری مطلوب‌تری در بنیان خانواده و روابط زوجین خواهد داشت، اما آیا این الزامات اخلاقی قادر است در قالب قاعده‌های حقوقی تنظیم شود؟ لذا بعضی از قواعد اخلاقی با توجه به جایگاه و ارزشی که در وجدان عمومی جامعه پیدا می‌کند یا شارع بر آن تأکید داشته است، قانونگذار عرفی را در واقع وادار می‌سازد تا در جایگاه قانونگذاری، آن را به‌عنوان قاعده حقوقی مورد شناسایی قرار دهد (قنبرپور، ۱۳۹۸: ۱۵۵). در نهایت باید گفت که مقررات حاکم بر روابط زوجین بدون تردید دارای آثار اخلاقی باید باشند تا بتوانند به نحو احسن و کامل مورد اجراء قرار بگیرند. از حیطه‌های قابل بحث، موضوعات زیر قابل ذکر است:

۲-۱-۲- اخلاق جنسی

اخلاق جنسی، شامل مباحثی است که حول محور غریزه جنسی و مسائل مرتبط با آن شکل می‌گیرد، مانند ضرورت یا نبود ضرورت کنترل غریزه جنسی، وفاداری زوجین و... که به‌واقع بهره‌مندی مشروع و اخلاقی از این غریزه یکی از اسباب تکامل معنوی فرد به حساب می‌آید. بر همین مبنا دین اسلام در عین مخالفت با خودداری‌ها و مبارزه با غریزه جنسی، بی‌بند و باری در این حیطه را نیز به شدت نهی نموده است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۲-۲-۲- اخلاق در زندگی مشترک

یکی از علل تأثیرگذار در پایداری زندگی مشترک، مدارا و حسن معاشرت است. اخلاق خوب و صبر و حوصله داشتن، نه فقط در زندگی اجتماعی، بلکه در کانون خانواده و بالتبع روابط زوجین نیز دارای اهمیت زیادی است که این موضوع در آیات و روایات هم مورد تأکید واقع شده است (حکمت نیا، ۱۳۸۸: ۳۲). در مجموع باید گفت تأثیر اخلاق در حقوق خانواده و روابط زوجین به‌عنوان بخش مهمی از این حقوق، بیش‌تر از دیگر شاخه‌های حقوق است. اخلاق و مقررات و در مجموع حقوق در حقیقت به زندگی اجتماعی انسان توجه دارند و هر دو آن‌ها احکام ایجابی و سلبی زیادی دارند و لذا هر دو تا حدی باید یکدیگر را پوشش دهند به نحوی که قواعد حقوقی بدون روح اخلاقیات و یا مخالفت قواعد اخلاقی مهم اما بدون ضمانت اجرایی حقوقی به حداقل برسد که این موضوع سبب می‌شود که از یک طرف مقررات ماهیت اخلاقی نیز گرفته و احساس‌های انسانی و هماهنگی‌هایی را در کنار ضمانت اجرایی با خودشان همراه کنند و از طرف دیگر قواعد اخلاقی در مواقع ضروری در حیطه‌هایی تحت حمایت‌های حقوقی قرار گرفته و ضریب اطمینان مورد اجرا قرار گرفتن آن‌ها بالاتر برود. عبارت اجرای حقوقی اخلاق در مقام تحلیل این امر است که حقوق باید با تجدیدنظر در برخی از مفاهیم و مبانی مسؤولیت حقوقی از بی‌توجهی نسبت به آثار اخلاقی که با وجود اهمیت زیاد به علت نبود ضمانت اجرا به مرحله اجرا در نمی‌آید، خودداری نماید (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۳۸۱/۲).

۲-۳- حقوق و وظایف مشترک زوجین

زوجین دارای حقوق و وظایف مشترکی هستند که از آن جمله می‌توان به حسن معاشرت اشاره کرد که در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی عنوان شده است و مفهومی قرآنی است که از آیه ۱۹ سوره نساء گرفته شده است. از دیگر حقوق و وظایف مشترک، حسن معاشرت در تشیید مبانی خانواده است. مقصود از تشیید مبانی خانواده، تلاش زن و مرد در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی زن و مرد به یکدیگر است، به‌نحوی که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد گوناگون، یکی شدن و وحدت در نتیجه استحکام پیوند

زناشویی حاصل گردد. بر اساس ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی زوجین در خصوص تشیید مبانی خانواده و البته تربیت کودکان با هم باید معاشرت نمایند. برخی معتقدند عدم رعایت این موضوع دارای ضمانت اجرای قانونی است و در صورت تخلف، زوجه ناشزه به حساب می‌آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۶۱/۳). به‌واقع تکلیف معاشرت گویای این است که هیچ یک از زن و شوهر قادر نباشد برای کارهایی که وظیفه او محسوب می‌شود، طلب مزد نماید. چنانچه مرد یا زن برای تأمین رفاه و هم چنین تشیید مبانی خانواده، و البته تربیت نمودن اولاد کاری صورت دهد، وظیفه خود اعم از اخلاقی و حقوقی را انجام داده است و لذا نباید خواهان گرفتن اجرت باشد و حتی در صورتی که خودداری نماید طرف مقابل قادر است به دادگاه رجوع نماید و الزام فرد متخلف را بخواهد. علاوه بر این چنانچه زن وظایف خود را انجام ندهد مستحق گرفتن نفقه نمی‌باشد.

البته ناگفته نماند که چون انجام خدمات منزل و مدیریت خانه و حتی تربیت اولاد از وظایف‌های شرعی زن محسوب نمی‌شود، بنابراین زن در صورتی که از تربیت فرزند خود خودداری نماید، ناشزه به حساب نمی‌آید و در نتیجه می‌توان گفت که ماده مذکور جنبه اخلاقی تربیت را عنوان نموده است. در دین اسلام به امر مشارکت در خانواده تأکید زیادی شده است. به‌طوری که حضرت علی (ع) فرمودند: «زن باید فرزندش را شیر دهد و... و کارهای داخل منزل را انجام دهد» که البته انجام امور منزل تنها وظیفه زنان نمی‌باشد و بر مردان هم انجام این افعال سفارش شده است. رسول اکرم (ص) روزی به خانه علی (ع) وارد شدند و ایشان را مشغول خانه‌داری و کمک به همسر مکریشان مشاهده نمودند که به این واسطه رسول اکرم (ص) فرمودند «ای علی، هر کس به خانواده‌اش خدمت نماید، این خدمت کفاره گناهان کبیره‌اش خواهد شد و آتش خشم الهی را خاموش خواهد نمود و همسر بهشتی و درجات عالی به نصیبش خواهد ساخت» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۴۸).

از دیگر حقوق و تکالیف مشترک، وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر است. البته در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به این

تکلیف از طرفین زوجین، مبنایی به غیر از اخلاق و پایبندی به آن ندارد. به همین علت، تأثیر اخلاق در حقوق خانواده و متعاقب آن روابط زوجین بیش‌تر از سایر شاخه‌های حقوق می‌باشد. تأثیر گزاره‌های اخلاقی در بین زوجین امری مسلم است که البته نزدیکی قواعد حقوقی با موازین اخلاقی از خصوصیات بارز نظام حقوقی اسلامی است که قانونگذار ایران نیز تلاش زیادی در بهره‌مندی از حقوق مذکور داشته است اما باز هم به‌موجب این تحقیق به نظر می‌رسد قوانین حاکم بر روابط زوجین، روابط آن‌ها را از اخلاق دور می‌سازد که البته این موضوع در مورد تمام قوانین صدق نمی‌کند اما برخی قوانین در روابط زوجین سبب ساز این مسأله می‌گردد. در مقابل نیز قوانینی نظیر تکلیف مرد و زن به حسن معاشرت، پرداخت مهرالتمعه، تعهد به اجرای عدالت، حضانت، نفقه و... از مصادیق حقوقی می‌باشند که با موازین اخلاقی آمیخته گردیده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- افخمی، ایمانه و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۹۰): ۶۷-۷۵.

تکلیف نشده است که دلیل آن بدیهی بودن این موضوع است. شایان توجه است که تکلیف مربوط به وفاداری از نظر حقوقی بدون ضمانت اجرا باقی نمانده است؛ زیرا نه تنها به‌عنوان سوء رفتار یا ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی تعارض دارد مستند درخواست طلاق است همسری که از این نظر زیان می‌بیند، می‌تواند جبران خسارت مادی و معنوی خود را از طرف خطاکار بخواهد (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۵۶/۲). از سایر حقوق و تکالیف مذکور می‌توان به رعایت سکونت مشترک و حق هم‌زیستی زوجین با یکدیگر اشاره نمود. البته به موجب ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی حق انتخاب مسکن با مرد است مگر اینکه این اختیار به زن داده شده باشد نکته اخلاقی مدنظر در این ماده قانونی اینگونه است که چنانچه اختیار به زن داده شده باشد که بحث روشن است اما حتی چنانچه بر اساس همین ماده هم بخواهیم بحث را ادامه دهیم باز هم مرد نمی‌تواند زن را به سکونت در هر خانه‌ای دعوت نماید.

به‌طورمثال زن موظف به پذیرش خانه مشترک با پدر و مادر مرد نیست بلکه می‌تواند درخواست منزل اختصاصی نماید (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۱۱). علاوه بر آن در خانه‌ای که مرد انتخاب می‌نماید، باید عرف و عادت و شؤونات زن مدنظر باشد و نباید به وی آسیبی برسد و زندگی برایش تنگ گردد که اگر چنین وضعیتی حاکم شود، زن می‌تواند از سکونت امتناع نماید. در مجموع موارد فوق‌الذکر روشن است که در نظام خانواده و روابط زوجین، راه‌حل‌های اخلاقی بر راه‌حل‌های حقوقی ترجیح دارد و به‌واقع حقوق باید در خدمت اخلاق باشد نه اینکه اخلاق را در خدمت خود در آورد. مقصود از این بحث این مسأله نیست که قانونگذار قواعد اخلاقی را به‌صورت قانون در آورد، این کار فایده زیادی ندارد و ممکن است زیانبار نیز باشد چراکه به زور قانون، نه مرد و نه زن را نمی‌توان به حسن سلوک با دیگری وادار نمود.

نتیجه‌گیری

حقوق خانواده بر ارزش‌های اخلاقی مبتنی است و به‌واقع حقوق و اخلاق به اندازه‌ای به هم نزدیک است که در برخی مواقع امکان تفکیک آن وجود ندارد. مواردی مانند رفتار خوب، مهر و محبت، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق و

- پسندیده، عباس (۱۳۹۰). *رضایت زناشویی*. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). *حقوق مدنی*. جلد سوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسین زاده، علی (۱۳۸۸). *همسران ناسازگار*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- حکمت نیا، محمود و دیگران (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق خانواده*. چاپ دوم، تهران: انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زمان.
- داوودی، محمد (۱۳۸۸). *اخلاق اسلامی*. تهران: انتشارات معارف.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). *درسنامه اخلاق خانوادگی*. تهران: انتشارات دریا.
- ضیائی فر، سعید و دیگران (۱۳۸۸). *تأثیر اخلاق در اجتماع*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علامه طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قنبرپور، بهنام (۱۳۹۸). «بررسی گزاره‌های فقهی و حقوقی متأثر از اخلاق در باب نکاح و طلاق». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۵۶(۱۵): ۱۴۹-۱۶۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷). *مقدمه علم حقوق*. چاپ صد و دوازدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). *حقوق خانواده*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات مجد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). *بررسی فقهی حقوقی خانواده (نکاح و انحلال آن)*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *یادداشت‌ها*. تهران: انتشارات صدرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۰). *المنجد*. ترجمه محمد بیگی. تهران: انتشارات ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. چاپ هشتادم، تهران: انتشارات اسلامی.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۸). *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*. چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.